



به مناسبت 20 مهرماه روز حافظ

تاثیر بلبل شیراز بر ادیبان فرارود/در سمرقند و بخارا درباره حافظ چه می‌گویند

تاثیر بلبل شیراز بر ادیبان فرارود/در سمرقند و بخارا درباره حافظ چه می‌گویند
خبرگزاری فارس: اشعار حافظ همواره مونس و همدم مردم آسیای مرکزی بویژه فارسی زبانان سمرقند و بخارا و خجند و خیوه و خوارزم و چاچ و دوشنبه و ترمذ و خوقند بوده و تشنگان کلام شکرین فارسی مثل پروانگان سوخته برگرد شمع اشعار دل آشوب بلبل شیراز می‌سوختند.

به گزارش فارس، تاجیکان و فارسی زبانان آسیای مرکزی از قدیم الایام تاکنون با عشق و علاقه فراوان با شعر و ادب فارسی می‌زیسته‌اند تاجایی‌که لالائی‌های مادران همواره با شعر و سخن همراه بوده و این روند تا زمان مرگ و ایام سوگواری و عزاداری که مرثیه خوانده می‌شود، ادامه داشته است.

همچنین شعر، گویی زنگوله گهواره و تابوت و عصای فصل پیری شعرای بنام این خطه ادب پرور بوده که نقش آنها در رشد و شکوفایی گلستان ادب فارسی اندک نیست و چه بسا آثار منظوم و منثور ارزشمند به دست فرزندان فرزانه ورارود تالیف و تهیه شده است. در همین راستا و به اعتقاد کارشناسان جایگاه شعرا در حفظ زبان فارسی، بیشتر از سایر متفکران و نویسندگان و اندیشمندان ارزیابی می‌شود.

ماورالنهر و یا ورارود همواره به عنوان مهد تمدن و کانون اندیشه مورد توجه بوده و نخستین اشعار فارسی در این حوزه سراییده شده و نخستین خشت آن را استاد "ابوعبدالله رودکی"، پدر شعر فارسی گفته است و مردم ادب پرور این سرزمین عشق و علاقه وافری بر شعر و گویندگان نامدار آن داشته‌اند.

در این میان حافظ، عندلیب بوستان ادب، جایگاه ممتاز و ویژه‌ای داشته است، بطوری که هیچ فارسی زبانی را در آسیای مرکزی نمی‌توان یافت که از اشعار دلنگیز این شاعر شوریده، حداقل 10-20 غزل را حفظ نباشد.

شعرای نامدار و گمنام این منطقه نیز همواره اشعار حافظ را به عنوان الگو قرار داده و نظیره و تضمین و استقبال‌هایی از غزلیات شورانگیز لسان الغیب داشته‌اند. در این میان می‌توان به طور مشخص به نقش و جایگاه حافظ در ادبیات معاصر تاجیک پرداخت که پس از مرز بندی‌های مصنوعی میان کشورهای فارسی زبان دچار تحولات و تغییرات فرهنگی و هنری شدند.

تاثیر حافظ بر زنده ماندن زبان فارسی در طول سلطه کمونیسم

اشعار حافظ همچنانکه گفته شد، همواره مونس و همدم مردم این منطقه، بویژه فارسی زبانان سمرقند و بخارا و خجند و خیوه و خوارزم و چاچ و دوشنبه و ترمذ و خوقند بوده و تشنگان کلام شکرین فارسی مثل پروانگان سوخته بر گرد شمع اشعار دل آشوب بلبل شیراز می‌سوختند و می‌ساختند.

معلوم است که بر اثر روی کار آمدن حکومت کمونیستی در قلمرو شوروی سابق ایدئولوژی کشور بر این پایه بود که مردم را از هویت و اصالت ملی و فرهنگی و مذهبی آنان دور سازند و سیاست مداران این دولت بر این شدند تا خط و القای اقوام و ملل را تغییر دهند و آنها را از ریشه‌های فرهنگی و نیاکانشان به نحوی جدا سازند.

تاجیکان نیز بر اثر این ظلم تاریخی دچار لطمات و آسیب‌های جبران ناپذیر شدند بطوری که در کلیه کشور یک چاپخانه نیرومند که به نشر و چاپ آثار نیاکان همت گمارد، باقی نماند و مردم آثار نیاکان خود را دیگر با حروف سرلیک روسی و لاتین که تحمیل گردیده بود و با حذف معانی و مضامین مذهبی و دینی همراه بود، می‌خواندند.

این بود که کتاب و دیوان‌های شعرا و ادبای فارسی به قدری کمیاب و نایاب گردید که به گفته ریش سفیدان تاجیک، قیمت یک دیوان حافظ و یا مثنوی معنوی و یا گلستان شیخ سعدی برابر با یک اسب شد که گران ترین وسیله آن روزگار بود.

در همین راستا، "استاد صدرالدین عینی (1878-1954)"، بنیادگذار ادبیات نوین تاجیکی و ازبکی از همان ابتدای فعالیت خود گرایش و علاقه خاصی به اشعار حافظ داشت و نخستین مُمسّس‌های خود را در حال و هوای اشعار و غزل‌های شه‌دبار حافظ انشا کرد.

عینی که بر اثر مخالفت‌های آشکار علیه حکومت خودکامه و فاسد امارت بخارا مورد اذیت و آزار حاکمان مستبد آن قرار می‌گرفت رنج و دردهای خویش را در قالب غزل و مُمسّس‌ها که در پیروی از حافظ سروده شده‌اند، بیان نمود که این سروده‌ها بیشتر خصلت شکوه و انتقاد دارند و گویای روزگار سخت و اسف بار استاد عینی و دوستان او می‌باشد.

عینی در پیروی از غزل مشهور حافظ «روز وصل دوستداران یاد باد» این مُمسّس جانگداز را سروده است:

سیر و گشت لاله زاران یاد باد
افت و خیز می‌گساران یاد باد
عشرت فصل بهاران یاد باد
"روز وصل دوستداران یاد باد
یاد باد آن روزگاران، یاد باد"

سوخت هجران خرمن بنیاد من
گشت ویران خانه آباد من
نیست فارغ خاطر ناشاد من
"گرچه یاران فارغند از یاد من
از من ایشان را هزاران یاد باد"

دلبران را فکر دل‌داری نماند
عاشقان را قوّت زاری نماند
از کسی بر کس غم یاری نماند
"این زمان در کس وفاداری نماند
ز آن وفاداران و یاران یاد باد"

آن که دل از بهر او از دهر گشت
کار او درباره من قهر گشت
آب چشمم شام هجران نهر گشت
"کامم از تلخی غم چون زهر گشت
بانگ نوش باده خواران یاد باد"

نیست در غربت کسی غم خوارهام
در نظرها چون خسی بیکارهام
در کجا مانم سر آوارهام
"من که در تدبیر غم بیچارهام
چاره آن غمگساران یاد باد"

مُرد عینی درد او بنهفته ماند
طالع ناسازگارش خفته ماند
غنچه امیدها نشگفته ماند
"راز حافظ بعد از این ناگفته ماند
ای دریغ، از رازداران یاد باد"

همچنانکه مشاهده می‌شود، صدر الدین عینی درایام بی کسی و تنهایی و پس از مجازات 75 ضربه شلاق توسط عاملان امارت بخارا و رنج و درد زندان به حافظ روی می‌آورد و برای افاده آن همه غصه و هجران و درد از حافظ مدد می‌جوید، چون معلوم است که حافظ برای کل دردهای جانسوز و نیز شادی‌های انسان حرف‌های گفتنی بسیاری دارد و بی دلیل نیست که حافظ تنها شاعری است که با دیوان او تفعل می‌زنند و هر کس در آیینہ تمام نمای غزل‌های او دوا و علاج می‌جوید و می‌یابد و گویی این بلبل شیوا بیان همه

احساس و خواسته‌های بشر را بازگو نموده است.

مخمس دیگر استاد عینی بر غزل حافظ «سرم جز خیالت هوایی ندارد» عنوان دارد که این سروده نیز روزگار تنهایی و در بند غم گرفتار بودن شاعر را بازگو می‌کند و از سطر سطر آن بوی دل سوخته و خاطر هزین گوینده احساس می‌گردد؛

سرم جز خیالت هوایی ندارد
غمم بی وصال دوايي ندارد
تنم بی نوایت نوایی ندارد
"دلم بی جمالت صفایی ندارد
چو بیگانه‌ای کآشنایی ندارد"

گل روی زیبا، بر و دوش نسرين
قد سرو و رعنا، تن صاف سيمين
لب لعل گویا، سر زلف مشکين
"همه چیز دارد دلارام و لیکن
دریغا که با ما وفايي ندارد"

سحر و جادوی کلام حافظ، الگویی برای یکایک شاعران تاجیک

همچنین سایر شعرای هم دوره استاد عینی، از جمله "عبدالواحد منظم" (1877-1934) که از سرایندگان نامور و از خوشنویسان نامدار روزگار بود، غزل مشهور حافظ را برای بیان افکار و اندیشه‌های پر از اعتراض و درد خویش به کار گرفته است؛

"اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را "
به زیر پای او قربان کنم شاه بخارا را
"سخن از مطرب" و معشوق و می خواران مکن، برخیز
که از ظلم امیران پاک گردانیم دنیا را...
"غزل گفتی و درّ سفتی بیا و خوش بخوان حافظ"
که بیداری دهی خوابندگان دار دنیا را

منظم برای تاثیر بیشتر سخن خود و نفوذ در اذهان مردم از غزل و اندیشه‌های حافظ سود می‌جوید و می‌داند که کلام معلای این گوینده نامدار تا کجاها قلب مردم را تسخیر نموده و آنان را مجذوب و مفتون خویش ساخته است.

البته، جایی منظم تلاش می‌کند به جای معانی و مضامین عرفانی و عشقی تابش انقلابی و اجتماعی بدهد و کینه و عداوت و احساس بد بینی خویش را نسبت به امیر و حکومت داران بدنام بخارای آن روز در ابیات فوق ارائه می‌دهد.

سحر و جاذبه کلام حافظ، عبدالسلام دهاتی (1911-1962)، از دیگر شاعران شیرین سخن تاجیک را نیز تحت تاثیر قرار داده است و او با استفاده از معانی و مضامین بلبل شیراز افکار خویش را که بیشتر جنبه اجتماعی دارند، بیان می‌کند. شعر او «افتخار ما» عنوان دارد و پاره‌ای از آن تقدیم خوانندگان ارجمند می‌گردد؛

دنیای موی سفید! تو هم فخر کن، برو
مانند ما جوان شده‌ای زین حیات نو
هرگز نمیرد آنکه رود با مرام ما
"ثبت است بر جریده عالم دوام ما،
ساقی به نور باده بر افروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما"

این شاعر تاجیک با وارد نمودن برخی تغییرات اندیشه‌های خویش را به قلم می‌دهد و جهت تاثیر بیشتر از حافظ مدد جسته است.

"میرزا تورسن زاده" (1911-1977) از دیگر شاعران نامدار تاجیک ضمن تالیف مقاله‌های مفصل در مورد جایگاه حافظ در ادبیات کلاسیک فارسی و تاثیر کلام جذاب او بر ادبیات دیگر کشورها و ملل مختلف ارادت و اخلاص خود را بر غزل جاودانه حافظ تاکید

می‌کند.

وی در مقاله "غزل سرای بزرگ شرق" به طور مفصل دیدگاه و اندیشه‌های خویش را پیرامون این موضوع خیلی صمیمی به تصویر می‌کشد. چنانچه می‌نویسد: "من از زمان بچگی به شعرهای عزیز ترین شاعر فارسی زبانان حافظ شیرازی دلبستگی دارم. شعرهای این استاد نظم ذهن مرا در ایام جوانی با سحر و جادو اسیر خود گردانیده است، شب‌ها خواب مرا از دیده ربوده روزها صبر و آرام مرا به چنگ یغما داده است. از کودکی به یاد دارم که مردم تاجیک پس از قرآن در بین همه کتاب‌ها دیوان حافظ را کتاب مقدس شماریده حتی در گهواره آن را به زیر سر طفل نوزاد می‌گذاشتند تا که فرزند آنها خوشبخت و همچون آدم نظر کرده بزرگ شود و مانند حافظ عزیز مردمان گردد..."

بدین طریق، می‌توان نتیجه گرفت که توجه بر حافظ و غزل‌های شیرین او در میان شعرا و نویسندگان تاجیک در هیچ دوره کاهش نیافته و همواره از ابیات و اشعار این شاعری که "عراق و پارس را با شعر خوش گرفت" و "با شعرش سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی می‌خواندند و می‌رقصند"، به عنوان وسیله موثر کار می‌گرفته‌اند. بویژه در سال‌های 70 و 80 قرن گذشته این تاثیر به طور گسترده مشاهده می‌شود.

چنانچه، محمد جان رحیمی (1901-1968) از شاعران غزلسرای این دوره که صاحب طبع لطیف و قریحه شاعری بود، در مخمس بر غزل حافظ ضمن رعایت سبک و شیوه سرایش اشعار عرفانی حافظ به ابراز احساس پر عواطف خویش می‌پردازد و این سطور از نوک خامه‌اش می‌طراود؛

شرِّیم همین که بیش می لعل می چشم
باغم زمین، محفل انجم چه سرخوشم
من دوستدار لاله قبايان مدهوشم
"من دوستدار روی خوش و موی دلکشم
مدهوش چشم مست و می صاف بی غشم"

ساقی مه لقا شب بزم است و امتیاز
خون رزان به رطل گران وزن ریز باز
تا گویمت به گریه و با خنده درد و راز
"در عاشقی گزیر نباشد ز سوز و ساز
ایستاده ام چو شمع مترسان ز آتشم"

...صوفی عجیب بگشتی به هر باب راه جوی
حوران بخت خواه و ز سجاده آبروی
اکنون توئی به میکده ما به کف صبوی
"گفتی ز سر عهد ازل نکته ای بگوی
آن که بگویمت که دو پیمان درکشم"

همچنانکه اشاره شد، شعرای فارسی گوی تاجیکستان همواره با غزل‌های ملکوتی حافظ زیسته و احساس و دوستداری خود را در برابر این خداوندگار سخن به تصویر کشیده‌اند، از جمله، "مومین قناعت"، گلنظر،... که آوردن همه آن اشعار در این مختصر از امکان ما خارج است، ولی بهترین سروده را در این زمینه استاد روانشاد "لایق شیر علی" (1941-2000)، که ملک الشعرای تاجیکستان نامیده شده است، نوشته که آوردن این شعر در این مطلب خالی از لطف نخواهد بود؛

نرفت او یک قدم بیرون ز شیراز
جهان از بهر او شیراز بوده
کنار آب رکناباد عمری
ورا جای نیاز و ناز بوده

بسی از تنگی الله اکبر
نکوتر دید پهنای جهان را
چو سیاحی جهان را در نوشت او
فقط از طرف گلگشت مصلی

بسی در آب رکناباد رو شُست
که یابد آبروی جاودانه
که باشد شعر چون آئینهٔ آب
چو دریا لب زند شعر و ترانه

بسی بنشست او اندر لبِ جو
که نخل شعر باشد ریشه در آب
که شعرش دایما تر باشد و سبز
به مثل سبزه های ترّ و شاداب...

نرفت او یک قدم بیرون ز شیراز
ولی عالم به شیراز آید امروز
طواف خاک پاک حافظ رند
همه آدم به شیراز آید امروز

همانطور که مشاهده می‌شود، استاد لایق گویا خلاصه و فشرده احساسات نسل خود را در این شعر بیان نموده و داد سخن را می‌دهد که نتیجه آن چنین است، اگر حافظ از شیراز بیرون نرفت ولی امروز و فردا تمام جهان به شیراز می‌آید و این همان جاذبه بیش از حدّ و سحر کلام نغمه سرای شیراز است که آنان را به این خاک پاک می‌کشاند.

به گفته "جمشید شنبه زاده" محقق سرشناس تاجیک، نخستین منتخب دیوان حافظ در تاجیکستان با سعی و اهتمام "ا.ن. بالدیروف" در سال 1940 با حروف لاتین چاپ شده و در سال 1951 ویرایش دوم آن با الفبای سرلیک منتشر شد. سپس، در سال 1957 "خالق میرزا زاده"، ادبیات شناس مشهور تاجیک منتخبی از دیوان حافظ را منتشر نمود. در سال 1967 خود آقای شنبه زاده برگزیدهٔ دیگر غزلیات حافظ را آماده نشر نمود.

شنبه زاده در ادامه می‌افزاید که کتاب حاضر را بر اساس نسخه "محمد قزوینی" و "قاسم غنی" که در سال 1941 در ایران به نشر رسیده آماده و در خدمت خوانندگان فارسی زبان تاجیکستان قرار داده است که این مجموعه فراگیر 565 غزل، 5 قصیده، مثنوی و ساقی نامه، 34 قطعه و 42 رباعی می‌باشد. این نسخه از سوی جامعه فرهنگی تاجیک مورد استقبال بسیاری قرار گرفت بطوری که خانواده تاجیکی را نمی‌توان یافت که نسخه‌ای از دیوان حافظ در منزل آنها نباشد.

"مومین قناعت" (متولد 1932 م) از دیگر سخن‌سرایان تازه گوی تاجیک در سلسله اشعار "سازهای شیراز" خود بیشتر از آرایه تلمیح استفاده می‌کند و گاه با طنز و شوخی و گاه با جد مضامین اشعار حافظ را مورد استفاده قرار می‌دهد.

این دفتر که از اشعاری با عناوین "تخت جمشید"، "زاینده رود"، "سحر از خلوت خود می‌روم بیرون"، "چه مست می‌گذری از وصال شیرازی؟"، "مرا گفتی بیا شیراز"، "ندانم بُت گرم یا بُت پرستم؟" و "سرود آخرین" عبارت است در واقع مهنرنامه شاعر تاجیک است که تسلط و فراگیری او را بر کنه معانی و مفاهیم غزل‌های گوینده شیرازی نشان می‌دهد و دیار شعر پرور شیراز را به عنوان قبله شعرا می‌داند که زیارت مقبره او بزرگان و علمای آن آرزوی هر فرد صاحب دل و با معرفت می‌باشد.

قناعت با کاربرد مصراع و معانی غزل حافظ در نهایت ظرافت هنر شاعری خود را به نمایش می‌گذارد و می‌گوید:

ترا ای دختر تاجیک همچون طفل روحانی
به رحم سینه پروردم، به گردن طوق شیطانی
چو عشقت هر زمان پر شور تر شد همچو زندانی
مرا هر مرد صاحب دل، مرا هر فرد بیدل گفت:
"چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟"
پشیمان نیستم گر زنده کردم عشق مجنون را
درون سینه پنهان داشتم صحرا و هامون را
فرو بردم ز چشم خویش پنهان اشک گلگون را
گشادم، پاش دادم پیش پایت گنج قارون را
پشیمان نیستم هرگز!

کنون در قصر دارا جام جمشید است در دستم
ز بوی باده و موی بُت شیراز سرمستم
لبم را در لبان آب رکناباد پیوستم
به رویت لحظه‌ای آهسته در بستم

و یا در غزل دیگر شاعر تاجیک با اشاره به غزل مشهور " اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را " از بخشیدن و کرم ابای خود حافظ "گله" می‌کند؛

ز روی دهر دو خال ترا خریدارم
دو شهر داد ابایم به خال شیرازی

قناعت در شعر دیگر از دوست ایرانی‌اش که او را برای بازدید و مهمانی به شیراز دعوت نموده است، استقبال می‌کند و از فرط شادی و خوشحالی خیالا به سوی شیراز این سرزمین سربلندان و مهد شعر و ادب پرواز می‌کند و تصوّر می‌کند که به منزل دوستش می‌رسد و برای او فال می‌گیرند و حاصل این احساس و رویاهای شاعرانه را این گونه به قبای نظم در می‌آورد؛

چه شهبازم
که از پرواز می‌ترسم؟
از این اعراف بی‌آواز می‌ترسم
چو حافظ بود از آب و گل شیراز
من از وصل گل شیراز می‌ترسم
همی ترسم که فردا همچو بیگانه
برندم بر طواف شعر شاهانه
ز حال خواجه بر خوانند افسانه
از آن غافل که نبود خواجه در خانه
و پیری بر گشاید فال حافظ را
به ارزانی دهد آمال حافظ را
چو مال خود فروشد مال حافظ را
گرفته من فقط اقبال حافظ را...
کنون با فال حافظ می‌کنم پرواز
خدا حافظ، ایا شیراز
خدا حافظ، ایا استاد!

جایگاه حافظ، عمق جان و روح فارسی زبانان منطقه

خلاصه کلام، حافظ و اشعار شورانگیز او محرم راز فارسی زبانان تاجیکستان و آسیای مرکزی بوده و هست و این علاقه از زمان‌های قدیم تاکنون نکاسته بلکه با گذشت ایام بیشتر از پیش گشته و آنچه در این مختصر آمد قطره‌ای از دریای عشق به حافظ و دیوان وی بود.

در حقیقت مهمترین علت محبوبیت حافظ یکی باورهای مردم بر عظمت و جایگاه حافظ است که به آن اشاره شد و این باور مردم را داشته تا اشعار حافظ را در سینه‌های خود حفظ کنند.

از سویی دیگر شیرینی و جاذبه فطری اشعار شور انگیز او است و حافظ تنها شاعری در ادبیات جهان است که با آن تفعل می‌زنند، زیرا حافظ به تمامی درد و مشکلات روحی و روانی بشر دوا و راه رهایی را نشان داده است. شعر حافظ آکنده و مملو از امید است و به خواننده احساس سرزندگی و خوشی و بالیده روحی می‌بخشد و در هر لحظه شادی و غم، یاس و نومییدی و ملولی تحولی در جان و روان خواننده اشعارش پدید می‌آورد.

در این منطقه کمتر شاعر و گوینده‌ای را می‌توان پیدا کرد که اندیشه‌های حافظ بر او اثر نگذاشته و تحت تاثیر آن قرار نگرفته باشند. این است که در گذشته در مدارس دینی این سرزمین، بویژه در بخارا و سمرقند و خیوه و خوارزم و خوقند و چاچ و خجند و حصار...، دیوان حافظ به عنوان کتاب آموزشی تدریس می‌شد و محافل حافظ خوانی همواره فعالی بوده و هنوز هم خوانندگان و اهل موسیقی غزل‌های نشاط انگیز او را وارد موسیقی نموده‌اند و کمتر بزم و محفلی را می‌توان دید که سرودهای حافظ به وسیله مغنّیان اجرا

نشود. و از دلایل تاثیر و نفوذ این گوینده شیرین کلام این بس که هنوز هم زیر سر اطفال فارسی زبان منطقه، دیوان حافظ را با نیت حفاظت و دور بودن از آسیب و آفات می‌گذارند.

همچنین اشعار و احوال این محبوبترین شاعر فارسی سرا از دوران ابتدایی و متوسطه مدارس تاجیکستان وارد برنامه آموزشی شده و نیز در دانشگاه‌ها این روند به طور ژرف و عمیقی ادامه پیدا می‌کند.